



قرآن راهنمای همیشگی بشر

کلیدواژه: قرآن، آیات، راهنما.
پرسش: چگونه قرآنی که آیاتش دیگر را نفی و تعدیل می‌کند، برای همیشه راهنمای بشر است؟
پاسخ: قرآن کریم چنان‌که خود شهادت می‌دهد، کتابی است جهان‌شمول و جاودانه و دربردارنده‌ی نیازهای بشر در هر زمان و مکان و اختصاص به نژاد و آداب و سنن خاص ندارد. «**ذکری للعالمین**»^[۱] «**نذیراً للبشر**»^[۲]

فهرست مندرجات

- ۱ - قرآن راهنمای همیشگی بشر
- ۲ - ادله جامعیت و جاودانگی قرآن
 - ۲.۱ - دین اسلام، کامل‌ترین دین
 - ۲.۲ - نو بودن معارف قرآن
 - ۲.۳ - خاتمیت
 - ۲.۳.۱ - رجوع قرآن به راسخان در علم
- ۳ - ظاهر و باطن قرآن
- ۴ - معنای لغوی نسخ
- ۵ - معنای اصطلاحی نسخ
- ۶ - اقسام نسخ در قرآن
 - ۶.۱ - نسخ حکم و تلاوت
 - ۶.۲ - نسخ تلاوت بدون حکم
 - ۶.۳ - نسخ حکم بدون تلاوت
- ۷ - فلسفه نسخ
- ۸ - ناسخ و منسوخ
- ۹ - محکم و متشابه
- ۱۰ - پانویس
- ۱۱ - منبع

قرآن راهنمای همیشگی بشر

خدای متعال، محتوا و معارف قرآن را به‌گونه‌ای تنظیم کرده که تا همیشگی تاریخ و در هر عصر و زمانی همه‌ی مردم بتوانند از معارف زلال و ناب آن بهره‌مند شوند. تاریخ قرآن و تفسیر آن نیز بیانگر آن است که به **برکت** قرآن در هر زمانی، معارف جدیدی روی روشنفکران گشوده شده و میوه‌های معرفتش در هر عصری پرسش‌ها و نیازهای بشر را پاسخ داده است و تشنگان معارف الهاهی را سیراب کرده است.

ادله جامعیت و جاودانگی قرآن

درباره‌ی جامعیت، جاودانگی و جهان‌شمول بودن قرآن کریم می‌توان از راه‌های زیادی استدلال کرد که در ذیل به برخی از آنان اشاره می‌شود:^[۳]

← ۱. دین اسلام، کامل‌ترین دین

قرآن در این‌باره می‌فرماید: «**ما فرطنا فی الكتاب من شیء**»^[۴] ما هیچ چیزی را در کتاب فروگذار نکردیم.

«**الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی...**»^[۵] و....

این آیات دلالت دارند که **دین اسلام** کامل شده و همه‌ی آنچه می‌بایست گفته شود و **احکام** و مقرراتی که برای هدایت بشر باید جعل شود، تعیین شده است.

← ۲. نو بودن معارف قرآن

از **امام صادق** - علیه‌السلام - درباره‌ی تازگی و نو بودن معارف قرآن، سؤال شد، حضرت فرمودند:
«**تازگی قرآن برای آن است که خدای متعال آن را برای زمان موقت یا مردم خاص نفرستاده و چون همیشگی و همگانی است، در هر زمان، جدید است و در نزد هر مردمی تا روز قیامت شیرین و پر جذب است.**»^[۶] [۷]

← ۳. خاتمیت

خاتمیت دلیل جامعیت و جاودانگی قرآن کریم است؛ زیرا فلسفه‌ی ارسال رسل این بوده که خداوند از طریق وحی، مردم را **هدایت** کرده و با بیان **عقاید** و راهنمایی به احکام و مقررات در جهت **سعادت** و رشد و معنویت قرار دهد و چون زندگی **انسان** همواره در حال دگرگونی و رشد و تکامل است و نیازمند آن است که دینی فرستاده شود که حاوی تمام نیازمندی‌های بشر باشد. از این جهت باید خصوصیتی در این **پیامبر اسلام** که خاتم پیامبران است، و دین جدید باشد که نیازمند **تجدید نبوت** و **تجدید شریعت** و کتاب نبوده باشد. به عبارت دیگر؛ دایمی بودن و نیازمندی همیشگی بشر به آن، لازم دارد که هیچ‌گاه گرد کهنگی بر آن ننشیند و همیشه تازه باشد. و سر این‌که قرآن هیچ‌گاه کهنه و مندرس نمی‌گردد آن است که قرآن یک پدیده‌ی تشریحی است و با **فطرت** انسان‌ها که یک پدیده‌ی تکوینی است هماهنگ است و در فطرت تبدیل و دگرگونی راه ندارد.

← رجوع قرآن به راسخان در علم

علاوه قرآن کتابی است که تنها محدود به ذکر عقاید و احکام، توصیف حال ملت‌ها، اسباب و علل پیروزی و شکست، تاریخ امت‌ها، توصیف جهان ابدیت و راه وصول به خودسازی و انسان‌سازی نیست، بلکه ما را به راهنمایی هدایت کرده است که در طی طریق، مردم را یاری می‌رساند. آنان اولیای دین، راسخان در علم‌اند که قادرند متشابهات را به محک‌ها برگردانند و با پایه‌گذاری روش **اجتهاد** احکام مستحدثه و متغیر در هر عصری را استنباط نمایند. قرآن در عصر **خانمیت** رجوع به راسخان در علم را پیش‌بینی کرده است که آنها با استفاده از نقشه‌ی کلی، راهنمایی **امت** را به عهده گیرند و به تفسیر و توضیح و تدوین آیین‌نامه‌های جزئی مناسب با شرایط و زمان بپردازند. اجتهاد دارای چنین نقشی است. [۸] [۹] بنابراین، وظیفه‌ی این عالمان تطبیق کلیات و تفسیر احکام و بهره‌گیری از منابع پایان‌ناپذیر وحی با توجه به دگرگونی شرایط و تغییر موضوعات **احکام** است. گاه مسئله‌ای در جامعه‌ی صدر **اسلام** مطرح نبوده؛ اما در جامعه‌ی امروز مطرح می‌گردد و ضروری شناخته می‌شود. نیازهای جدید براساس انطباق جزئیات بر کلیات و روش استنتاج، توسط عالمان و مجتهدان پاسخ گفته می‌شود. در حقیقت **جامعیت** به همین معناست و اگر قرآن تفصیل هر چیزی را آورده و تبیان هر چیزی است [۱۰] به همین معناست. با ذکر این مقدمه‌ی نسبتاً طولانی می‌پردازیم به اصل سؤال.

ظاهر و باطن قرآن

ما معتقدیم که قرآن از نظر شکل ظاهری زیبا (فصیح و بلیغ) و از نظر معنوی یک‌دست و هماهنگ است؛ به‌گونه‌ای که هیچ اختلاف و ناسازگاری در آیات و احکام آن یافت نمی‌شود. قرآن هیچ‌یک از آیاتش، آیه‌ی دیگر را نفی نمی‌کند؛ بلکه بعضی از آیات، آیات دیگر را **تصدیق** می‌کند و هیچ تناقض و باطلی در آن راه ندارد. [۱۱] [۱۲] [۱۳]

« آیا درباره‌ی قرآن نمی‌اندیشید؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند ». [۱۴]

معنای لغوی نسخ

اما اگر منظور شما از نفی و تعدیل آیات قرآن، نسخ باشد، در جواب باید گفت: نسخ در لغت به معنای زایل کردن و از بین بردن است؛ یعنی چیزی را ابطال کردن و چیز دیگری را جای آن گذاشتن است. [۱۵]

معنای اصطلاحی نسخ

نسخ در اصطلاح، به معنای برداشتن امری که در **شریعت** اسلامی ثابت است و این به جهت پایان یافتن زمان آن است. [۱۶]

اقسام نسخ در قرآن

در قرآن سه نوع نسخ قابل تصور است.

۱. نسخ حکم و تلاوت

به این معنا که آیه‌ای از قرآن که دارای حکمی از احکام الله بوده، نسخ گردد. این نوع نسخ به دلیل ناسازگاری با عدم **تحریف** قرآن مردود است و امکان ندارد.

۲. نسخ تلاوت بدون حکم

به این معنا که خود آیه برداشته شود؛ ولی **حکم** آن استمرار داشته باشد. این نوع نسخ نیز به دلایلی در قرآن راه ندارد.

۳. نسخ حکم بدون تلاوت

این نوع نسخ هم ممکن است و هم در قرآن واقع شده و مورد اتفاق **مفسران** است. اما این نوع از نسخ نه تناقض کلامی است و نه اختلاف نظر و تجدید رأی، بلکه یک اختلاف حکمی ناشی از **مصادق** است. به این معنا که یک مصداق چون در شرایط معینی ممکن است دارای مصلحتی باشد، حکم خاص به آن تعلق می‌گیرد و همین که در اثر تغییر شرایط، مصلحت مزبور از بین رفت، **حکم** نیز تغییر پیدا می‌کند؛ یعنی از همان اول این دارای مصلحت محدود و موقت بود. برخی از آیات قرآن نظیر آیه‌ی ۱۰۱ سوره‌ی نمل و ۱۰۶ و ۱۰۷ سوره‌ی بقره درصدد بیان همین معناست. [۱۷] [۱۸] [۱۹] [۲۰] [۲۱]

فلسفه نسخ

البته درباره‌ی فلسفه‌ی **نسخ** باید گفت: هدف نزول قرآن ساختن جامعه‌ی انسانی است، جامعه‌ی انسانی مانند بیماری است که نیازمند نسخه‌ی شفابخش است. بدیهی است برای نجات بیمار گاهی نیاز به تعویض و تبدیل داروست. قرآن نیز نسخه‌ی شفابخش انسان‌هایی است که به بیماری‌های **جهل**، **غفلت**، خودخواهی و... گرفتارند و از حقایق معنوی و صفات عالی انسانی بی‌خبرند. برای تربیت و **نجات** این بیماران، یک برنامه‌ی دقیق لازم و ضروری است که گام‌به‌گام جان آنان را از ردایل اخلاقی تخلیه و **فضایل** اخلاقی را جایگزین آنها نماید. نسخ در واقع برای جامعه‌ای که در حال انتقال از یک مرحله‌ی منحل و پست به مراحل عالی است، امری اجتناب‌ناپذیر است. چه این‌که بسیار می‌شود که انتقال دفعی غیر ممکن بوده و باید مرحله به مرحله صورت گیرد. به این ترتیب آیات منسوخ در دوران انتقال حکم معالجه‌های موقت را دارد. [۲۲]

ناسخ و منسوخ

پس **ناسخ و منسوخ** به حسب ظاهر با هم منافات دارند؛ ولی در واقع تناقضی بین آنها وجود ندارد؛ زیرا هرکدام دارای مصلحت خاص خود هستند؛ اما در ناسخ آن مصلحت بعد از مصلحتی است که در **منسوخ** بوده است.

محکم و متشابه












همین‌طور است آیات **محکم و متشابه** در قرآن کریم؛ چنان‌که خود قرآن می‌فرماید: آیاتش دارای محکم و متشابه است. سبب وجود آیات متشابه در قرآن می‌تواند، نارسایی افکار **بشر** و بلندی افق معانی و حقایق ماورای طبیعی، نارسایی الفاظ و عباراتی که تنها، برای نیازمندی‌های روزمره به وجود آمده و به‌طور طبیعی کشش و گنجایش تحمل آن معانی بلند را ندارد، باشد. [۲۳]

پیامبران الهی به‌سوی تمام مردم اعم از، **دانا و نادان**، هوشمند و کودن برانگیخته شده‌اند، بسیاری از معانی بلند و دقیق به‌گونه‌ای الفا شده که هرکس را توان فهم آن نیست و تنها افراد خاصی قادر به درک آنهایند. دانش این‌ها نزد راسخان در **علم** است. [۲۴]

[۲۵] بنابراین، وجود این اختلافات ظاهری به همین دلیل است و این مسئله به‌هیچ‌وجه به معنای وجود تناقض و نفی و تبدیل در آیات نیست، تا در نتیجه با راهنمایی‌های بشر در طول **تاریخ** منافات داشته باشد.

پانویس

۱. ↑ انعام (۶)، آیه ۹۰.
۲. ↑ انعام (۶)، آیه ۲۶.
۳. ↑ نک: سؤال ۱۲۵.
۴. ↑ انعام (۶)، آیه ۲۷.
۵. ↑ مانده (۵)، آیه ۲.
۶. ↑ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۵.
۷. ↑ الشیخ الحویزی، نورالثقلین، ج ۲، ص ۷۴۰-۷۴۴.
۸. ↑ ایزاری، سیدمجدعلی، جامعیت قرآن، ص ۵۱.

۹. ↑ برای آگاهی بیشتر درباره‌ی رابطه‌ی میان جامعیت و خاتمیت، مراجعه شود به کتاب‌های خاتمیت، مرتضی، مطهری؛ خاتمیت از نظر قرآن و حدیث، جعفر، سبحانی؛ راهنماشناسی، مجد تقی، مصباح یزدی.
۱۰. ↑ نحل (۱۶)، آیه ۸۹. 
۱۱. ↑ نحل (۱۶)، آیه ۸۹. 
۱۲. ↑ فصلت (۴۱)، آیه ۴۲؛ «و این کتابی است قطعاً شکست‌ناپذیر که هیچ‌گونه باطل، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید؛ چراکه از سوی خداوند حکیم و شایسته‌ی ستایش نازل شده است.» 
۱۳. ↑ علامه‌ی طباطبایی معتقد است، از این آیه‌ی شریفه استفاده می‌شود که احکام قرآن قابل تغییر و یا این‌که حکمی از آن برداشته شود و حکم دیگری جایگزین او گردد نیست. (در محضر علامه طباطبایی، مجدحسین رخشاد، ص ۲۷۶).
۱۴. ↑ قریشی، سیدعلی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۷، واژه‌ی نسخ.
۱۵. ↑ خونی، سید ابوالقاسم، البیان، ص ۲۷۷ - ۲۷۸. 
۱۶. ↑ نساء (۴)، آیه ۸۲. 
۱۷. ↑ بقره (۲)، آیه ۱۰۶؛ هر آیه‌ای را منسوخ یا ترک کنیم بهتر از آن یا همانند آن را می‌آوریم.... 
۱۸. ↑ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۳ و ۴، ص ۲۲۶. 
۱۹. ↑ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۴۰۵. 
۲۰. ↑ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۸۸. 
۲۱. ↑ برخی از آیات نسخ شده عبارتند از: آیات ۱۵ و ۱۶ سوره‌ی نساء که به‌وسیله‌ی آیه‌ی ۲ سوره‌ی نور نسخ گردیده، همچنین آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی مجادله که درباره‌ی صدقه دادن قبل از خلوت حضرت با رسول الله است که آیه ۱۲ همین سوره آن را نسخ کرد.
۲۲. ↑ احمدی، مهدی، قرآن در قرآن، ص ۱۰۳ - ۱۱۲.
۲۳. ↑ احمدی، مهدی، قرآن در قرآن، ص ۱۰۳ - ۱۱۲.
۲۴. ↑ نساء (۴)، آیه ۱۶۲. 
۲۵. ↑ آل‌عمران (۳)، آیه ۷. 

منبع

پایگاه اسلام کوئیتس. 

رده‌های این صفحه : [قرآن شناسی](#) | [ویژگی های قرآن](#)